

کیمیا

زهد یا **پارسایی** به معنای گوشه نشینی و عزت از دنیا نیست؛ چه بسیار کسانی که در عزلت ظاهر می‌هستند، ولی از پارسایی سودی نبرده اند؛ زیرا وقتی در فتنه دنیا گرفتار می آیند و هم باطل به هم می آمیزد، قدرت می‌نداشتند و به سبب ضعف اراده، فاقد عزم با عزم قوی هستند تا بتوانند در برابر وسوسه‌های دنیا و ابتلائات آن سر بلند بیرون آیند. این گونه است که مدعیان زهدورزی و پارسایی در بحبویه فتنه‌ها و بلایا رنگ می‌بازند و با کوچک ترین جرقه‌ای پنبه ایمانشان می‌سوزد.

حقیقت زهدورزی از نظر آموزه های قرآن، زمانی خودنمایی می کند که شخص در بحبویه فتنه‌های دنیوی، چون گوه استستوار باشد و در برابر تندباد فشارهای بیرونی مانند شاخه های نرم بیدی باشد که در تلاطم بلایای توفان سهمگین به آرامی تکان می خورد و خم می‌شود، ولی نمی‌شکند؛ چرا که هیچ گونه تعلقی به چیزی ندارد تا او را به خود وابسته سازد، بلکه در کمال انقطاع از خلق خدا، تنها به قداست عزت الهی تعلق یافته و بر مقام قداست آویزان است. براین اساس، زاهد و پارسا از نظر قرآن، نه تنها در میان خلق زندگی می کند،بلکه در آبادانی دنیا و انجام تکالیف و مسئولیت های خویش به عنوان خلیفه الله، پیشگام است تا نه تنها ظرفیت های بی پایان وجودی خویش را بشناسد و به ظهور برساند، بلکه موانع رشد و نمو را از دیگران برداید و شرایطی را در مقام مظهریت در ربوبیت به عنوان خلیفه‌الله برای دیگران فراهم آورد تا آنان به کمال بایسته و شایسته خویش برسند. این گونه است که عارفان و زاهدان مکتب قرآن، اجتماعی ترین و فعال ترین مردمان در ساحت دین و دنیا هستند؛ چرا که آخرت خویش را با اعمال صالح دنیوی می‌سازند و آباد می کنند و هرگز گوشه‌نشینی از دنیا و سیاست و مانند آنها را در پیش نمی‌گیرند؛ زیرا آن را در تضاد کامل با فلسفه حضور انسان در دنیا می‌شمارند. در نوشتار حاضر دیدگاه قرآن درباره زهد تشریح شده است.

زهد و پارسایی در انقطاع الی الله

زهد در لغت صدّ رغبت و حرص بر دنیا است(لسان العرب، ج ۶، ص ۹۷، «زهد» این بدان معناست که زاهد رغبت و گرایش به دنیا و مادیات دنیوی نداشته و فاقد حرص و آزمندی نسبت به آن است. البته این عدم گرایش به دنیا و مادیات به معنای آن نیست که از دنیا و مادیات دنیوی برای کمال خویش و دیگران بهره نمی‌گیرد، بلکه چون دنیا و مادیات آن را به عنوان ابزارهای کمالی خویش و دیگران

کسی زاهد است که بتواند در عین بهره مندی از دنیا و مادیات به عنوان ابزار، هیچ گونه تعلق خاطری به آن نداشته باشد و از هر چیزی برای کمال خویش و دیگران بهره گیرد و به عنوان ابزار و وسایل به آن توجه کند. از همین رو اهل زهد، به‌سادگی اهل اکرام و ایثارگری هستند و از محبوب‌های مورد نیاز و ضروریات زندگی خویش برای دیگران می‌گذرند و خود را به رنج می‌افکنند تا دیگران از رنجی در امان بمانند.

می‌داند، از آنها به بهترین شکل بهره می‌گیرد و در مقام شکرگزاری حقیقی، از همه آنها به گونه ای استفاده می‌کند که خدا برای آن، این مواهب دنیوی را آفریده است؛ زیرا شکر حقیقی نعمت، استفاده درست از هر نعمتی است. بنابراین، شناخت هر نعمت و چرایی آفرینش و چگونگی استفاده از آنها برای شاکران حقیقی یک امر مهم است؛ زیرا می‌دانند که با چنین شناختی می‌توانند ازهر نعمتی مبتنی بر فلسفه وجودی آن استفاده کنند و برای اهداف مشخصی از آنها بهره گیرند. خدا در قرآن از زبان مومنان می‌فرماید: پروردگارا! بر دلم بیفتن تا نعمتی را که به من و به پدر و مادرم ارزانی داشته ای سیاس گویم، و کار شایسته ای انجام دهم که آن را رضایت داری(احقاف، ۱۵)

انسان تنها با توسل به اسباب و وسایل خاصی چون نماز، اتفاقات مالی، اعمال صالح، توسل به معصومان(ع) و مانند آنها می‌تواند خود را از فشارهای سهمگین درون و بیرون برهاند و به تزکیه برسد و زهد و انقطاع را دریابد.

در این آیه بیان شده که شکر عملی نعمت استفاده از نعمت در عملی است که مورد رضایت الهی است که در حقیقت همان فلسفه ایجاد آن نعمت است. همچنین خدا پس از نقل داستان سخن گفتن مومنان، پرچگان، می‌فرماید: سلیمان از گفتار مورچه تبسمی کرد و دهانش به خنده گشوده شد و گفت: پرورد گار، در دلم افتن تا نعمتی را

برای حرکت انقلاب و نظام اسلامی در مسیر تمدن‌سازی اسلامی، حوزه علمیه به‌عنوان کانون دین و عقیده شوریک انقلاب و نظام می‌بایست در جایگاه حقیقی خود نقش آفرینی کند.

اساس حوزه‌های علمیه فقه و فقهات است و به تصریح امام خمینی(ره) بیشترین عنايت حوزه‌های علمیه باید به فقهات باشد. فقه، تئوری اداره انسان و جامعه از گهواره تا گور است و استخوان بندی حیات اجتماعی و سیاسی نظام اسلامی تلقی می‌شود. تنها در سایه عمل به فقه اسلامی است که می‌توانیم جامعه‌ای اسلامی بسازیم و به‌سوی تمدن‌سازی شتاب و سرعت بگیریم. در نوشتار حاضر به برخی شاخه‌های فقه تمدن ساز و بویا و راهکارهایی برای نقش آفرینی فقه در عرصه اجتماع اشاره شده است.

فقه و فقهاتی که تمدن‌سازی و نظام‌ساز باشد و بتوان امروز با آن یک جامعه و حکومت را اداره کرد، شاخه‌ها و ویژگی‌هایی باید داشته باشد که با الهام از اندیشه‌های امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب به هفت ویژگی مهم به‌صورت خلاصه اشاره می‌شود:

۱. فقه‌شناسی و نظام ولایي

فقه و فقیه در ساحت تمدنی باید به همه ابواب طهارت و دیات و نیز ابواب جدید حکومتی و تمدنی بنگرد و اساساً گزاره‌های فقهی را ناظر به تمام ساحت‌های دین و علوم مرتبط دینی و نیز ابواب دیگر فقهی به‌صورت یک منظومه و نظام منسجم برای اداره یک جامعه استنباط کند.

اساساً حکومت در مکتب امام خمینی، فلسفه عملی تمام دین و تمام فقه است لذا احکام می‌بایست ناظر به حکومت و نیز مقام عمل و اجرا اجتماع شوند.

مرحوم امام در تعبیری می‌فرمایند: «الاسلام هو الحکومه...» یعنی حقیقت اسلام و فلسفه عملی دین، ساختن یک حکومت دینی و الهی است.

همچنین به‌صراحت در بیانی می‌فرمایند: «حکوم در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی روزهایی

زندگی بشریت است، حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است، فقه، تئوری واقعی و کامل «داره انسان» از گهواره تا گور است.»(مخلفه امام ج ۲، ص ۲۸۹)

۲. موضوع شناسی مشخصه

در گذشته این تلقی وجود داشت که اساساً کار فقیه، پرداختن به موضوع و موضوع شناسی نیست، بلکه استنباط و بیان حکم، وظیفه اوست، اما امروزه موضوعات مانند گذشته (به طور مثال غنا، غش در معامله، غیبت و...) بسیط و ساده

بنابراین، تحریم حلال ها و طیبات الهی و عدم بهره‌گیری از آنها به معنای کفران نعمت و نوعی تعدی از حدود الهی است(مانند، آیه ۸۷) زیرا تحریم طیبات الهی به معنای مخالفت با حلال‌شماري الهی است؛ بویژه که کرامت انسان در سایه بهره‌مندی از طیبات در دنیا خودنمایی می‌کند(اسراء، آیه ۷۰) و انسان این گونه می‌تواند به خود و دیگران در قالب عمل صالح چون اتفاقات مالی کمک کند(مومنون، آیه ۵۱) براساس تعلیم قرآن، زهد حقیقی در گرو بهره‌مندی از مادیات دنیوی بدون وابستگی و تعلق به آن است.

شکی نیست که استفاده ابزاری از چیزی غیر از تعلق خاطر داشتن به آن چیز است. انسان می‌تواند در عین اینکه از چیزی بهره می‌گیرد، هیچ تعلق خاطری نسبت به آن نداشته باشد؛ چنانکه وقتی انسان سوار وسایل نقلیه عمومی است، از آن به عنوان ابزار سفر بهره می‌گیرد، ولی هیچ تعلق خاطری به آن ندارد. دنیا برای اهل زهد و پارسایی این گونه است.



الجنان، شیخ عباس ققی، ص ۱۵۶، مناجات شعبانیه)، به هر حال، از نظر قرآن، زهد ورزی چیزی جز انقطاع الی الله در عین استفاده از دنیا به عنوان ابزار کمال یابی و کمال سازی نیست؛ کسانی زاهد حقیقی هستند که قرار الی الله (تاریات، آیه ۵۰) و اتابه الی الله (روم، آیات ۳۰ و ۳۱) را در بحبویه فتنه ها و بلایای دنیوی و تزئین گری و تسویل گری دشمنان و هواهای نفسانی برای خود به عنوان ملکه نفسانی و مقوم هویتی در آورده باشند.

به سخن دیگر، کسی زاهد است که بتواند در عین بهره مندی از دنیا و مادیات به عنوان ابزار، هیچ‌گونه تعلق خاطری به آن نداشته باشد و از هر چیزی برای کمال خویش و

معارف

Maarefkayhan@Kayhan.ir

مفهوم زهد در آموزه های وحیانی به معنای عزلت و گوشه گیری از دنیا و مواهب آن نیست، بلکه از نظر قرآن، مواهب دنیا برای پارسایان فراهم شده تا از آن برای کمال خویش و دیگران بهره گیرند. بنابراین، تحریم حلال‌ها و طیبات الهی و عدم بهره‌گیری از آنها به معنای کفران نعمت و نوعی تعدی از حدود الهی است.

آبادانی زمین و کمک به دیگران مجاهدت می‌کنند، اهل تزکیه و زهد ورزی واقعی و حقیقی هستند؛ زیرا دنیا آنان را فریب نداده و آنان در دام زینت‌های دنیا گرفتار نشده‌اند؛ بلکه از مادیات در مقام شکرگزاری به عنوان ابزاری برای کمال بهره می‌گیرند و در شدت فشارهای هواهای نفسانی درونی و وسوسه‌های شیطانی بیرونی، به سوی خدا فرار کرده و از غیر خدا بریده و به خدای غنی حمید پیوسته و از استغنائی الهی بهره مند شده‌اند. ازهمین رو دل و دیده آنان از هر زینت دنیوی سیر است و هیچ گرایشی به دنیا ندارند.

البته دستیابی به انقطاع و کسب حالت انابه و نهادینه شدن آن در وجود آدمی دشوار است؛ زیرا دنیا به شدت نمی‌گذارد تا انسان به حالت انابه از خلق ببرد و به خدا پیبویند. از نظر آموزه‌های قرآن، همواره دنیا و مادیات دنیوی همانند زن مکره‌ای درصدد گمراهی انسان و ایجاد تعلق و وابستگی به خود هستند. از همین رو حضرت امام سجاده(ع) در دعای خویش به پیشگاه خدا از مکر مکره‌ها می‌تالد و می‌فرماید: إِلَهِی اَسْکَنْتُنَا دَارَ اَخْرَجْتَ لَنَا حَفَرٌ مَكْرَهَا، وَغَلَقْتَ بَابَیْ اَمْنِیْا فِیْ خِیَالِهَا غَدَرَهَا، فَالْیَکَ نَلْتَجِیْ مِنْ مَکَلَدِهَا خَدَعِهَا، وَیَکَ نَعْتَصِمُ مِنَ الْاِغْتِرَارِ بِزُخَارِفِ زَیْنِهَا، فَانْهَیْهَا عَنْهُکَ طَلَبُهَا، الْمُتْلِفَةُ خَلَالَهَا، الْمَشْحُونَةُ بِالْاَلَاتِ، الْمَشْحُونَةُ بِالْکِتَابِ، مَعْبُودَهَا، مَا رَا خَنَاءَیْ سَاکِنِ کَرْدَهِی کَ گودال‌های فرییش را برای ما آماده ساخته و در شبکه‌های خیانشش به دست‌های مرگ آویخته، از دام‌های فرییش به تو پناه می‌آوریم و از مغرور شدن به زبورهای آراستاش به عنایت تو چنگ می‌زنیم که این کندی خواهندگاش را هلاک می‌سازد؛ واردینش را نابود می‌کند، آکنده به آفت‌هاست، انباشته از نکت‌هاست.(مفاتیح‌الجنان، دعای خسه عشر، مناجاة الزاهدین)

از آنجا که خلقت انسان مبتنی بر «ضعف» است(نساء، آیه ۲۸) شدت به زینت‌های دنیوی از جمله زن و مال و مانند آنها گرایش می‌یابد و به تکاثر و تفاخر می‌پردازد.(نساء، آیه ۲۷: آل‌عمران، آیه ۱۴: حدید، آیه ۲۰) بنابراین، اگر فضل الهی نباشد، هیچ انسانی نمی‌تواند راه تزکیه را ببیماید و به راه رشدی درآید و به کمال انقطاع و زهدی دست یابد که مصداقی از آن ایثارگری در مقام اکرام است.(نور، آیه ۲۱) بنابراین، انسان تنها با توسل به اسباب و وسایل خاصی چون نماز، اتفاقات مالی، اعمال صالح، توسل به معصومان(ع) و مانند آنها می‌تواند خود را از فشارهای سهمگین درون و بیرون برهاند و به تزکیه برسد و زهد و انقطاع را دریابد. یکی از این ابزارها همان دعا به درگاه خدا و درخواست فضل الهی برای رهایی است تا به زهد برسد؛ چنانکه امام سجاده(ع) نیز می‌فرماید: إِلَهِی فَرِّدْنَاهُ فِیْهَا، وَتَسَلَّمْنَا مِنْهَا بِتَوْفِیْقِکَ وَعِصْمَتِکَ، وَانْزَعْنَا عَنْهَا جَلَابِیْبَ مَخَالَفَتِکَ، وَنَوَّلْ أَمُورَنَا بِخُسْنِ سَارِیْ نِیْسَتِکَ، کَسَانِیْ زَاهِدَ حَقِیْقِیْ هَسْتَنْدَ کَ فَرَارِ اِلَیْ الله (تاریات، آیه ۵۰) و اتابه الی الله (روم، آیات ۳۰ و ۳۱) را در بحبویه فتنه ها و بلایای دنیوی و تزئین گری و تسویل گری دشمنان و هواهای نفسانی برای خود به عنوان ملکه نفسانی و مقوم هویتی در آورده باشند.

به سخن دیگر، کسی زاهد است که بتواند در عین بهره مندی از دنیا و مادیات به عنوان ابزار، هیچ‌گونه تعلق خاطری به آن نداشته باشد و از هر چیزی برای کمال خویش و

استفاده ابزاری از چیزی غیر از تعلق خاطر داشتن به آن چیز است. انسان می‌تواند در عین اینکه از چیزی بهره می‌گیرد، هیچ تعلق خاطری نسبت به آن نداشته باشد؛ چنان‌که وقتی انسان سوار وسایل نقلیه عمومی است، از آن به عنوان ابزار سفر بهره می‌گیرد، ولی هیچ تعلق خاطری به آن ندارد. دنیا برای اهل زهد و پارسایی این گونه است.

حسن کفایت امور ما را سرپرستی فرما؛ و فزونی سهم ما را از رحمت گسترده‌ات کامل گردان و از چشمه‌سار مواهب، عطای ما را نیکو کن و در سرزمین دل‌های ما درختان محبت را بکار و انوار معرفت را بر ما کامل کن و شربین گشت و لذت آمزش‌رت را به ما بچشان و دیدگان ما را در جهان دیگر به دیدارت روشن کن و محبت دنیا را از دل ما بیرون بر، آن‌گونه که درباره نیکوکاران برگزیدمات و خاصان نیکوکردارت انجام دادی، به‌حق مهربانی‌ات مهربان‌ترین مهربانسان و ای گرامی‌ترین گرامیان(مفاتیح الجنان، دعای خسه عشر، مناجاة الزاهدین)

پیامدهای اجتماعی و سیاسی و نتایج فتاوا در زمانه خود را به خوبی بشناسد. این سطح از فقهات با اجتهاد مرسوم در حوزه‌های علمیه و علوم معهود فاصله دارد.

امام خمینی در منشور روحانیت فرمودند: «اجتهاد مصلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد؛ بلکه یک فرد اگر علم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و با نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصح تشخیص دهد و به‌طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد».

۸. تخصص‌محوری و اهتمام به فقه و فقهات تخصصی
با توجه به نیاز فراوان جامعه و نظام اسلامی به علوم متکثر و متعدد و نیز گسترده شدن و عمق مضافت علوم، امکان مطالعه کمال اجتهاد در تمامی عرصه‌ها و نیز ظهور و بروز و امتداد گسترده عینی این علمه برای یک فرد و یک شخص، تقریباً و ای بسا تحقیقا محال می‌نمایند، لذا هر فاضلی به فراخور استعداد خویش، شرایط و نیاز زمانه، باید وارد یکی از عرصه‌های تخصصی فقه و فقهات بشود. در حقیقت این عصر، هر تخصص محوری است و تنها در بستر این مهم می‌توان به عمق و فاعل مطلوبی از علوم دست‌رسی یابد. کرد. امروزه در بستر حوزه‌های علمیه، فقه‌های تخصصی متعددی در حال پیدایش و رشد و نمو هستند؛ مانند: فقه الحکومه، فقه السیاسة، فقه الثقافه(فرهنگ)، فقه الاجتماع، فقه الفن (هنر)، فقه التمدن، فقه السایبریتیکا(فضای مجازی)، فقه الصحه و الطب، فقه الإدارة و فقه رسانه و...

در پایان لازم است بر ضرورت و اهمیت یکی از این عرصه‌های تخصصی فقهات تأکید کنیم و آن «فقه الاداره» است که در حقیقت فقه مدیریت اسلامی می‌باشد. این تأکید به این دلیل است که اساسا موضوع این عرصه مهم فقهی، جماعت، سازمان و تشکیلات است و از طرفی معجزه علمای دین در عصر منتهی به ظهور حضرت جحت(ع) از سنخ قبلاط قلوب و اجتماع افکار و اراده‌هاست و این اجتماع‌های سه‌گانه در حقیقت حد مطلوب یک تشکیلات حقیقی و اسلامی را رقم می‌زند.

مرحوم (است‌الله العظمی شاه‌آبادی(استاد عرفان امام خمینی) در شذرات المعارف، زمان نزول برکات الهیه و انوار قدسیه عرشیه بر زمین را مقارن با تشکیل عرش اتحاد قلوب اولیای الهی در زمین می‌داند. این تأثیر فوق‌العاده اجتماع قلوب و جماعت‌سازی است. می‌توان آثارخامران را عصر جماعت‌سازی و اجتماع‌سازی معرفی کرد.

لذا بسیار مطلوب است که بخشی از عرصه تفقه خودمان را موضوع اجتماع و جماعت قرار دهیم.

صفحه ۷

شنبه ۱۸ دی ۱۴۰۰

۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۳ - شماره ۲۲۹۳۴

چراغ راه

مجازات‌های زوددهنگام

قال النبی(ص): «ثلاثة من الذنوب تعجل عقوبتها ولا تؤخر الی الاخرة: ۱- عقوق الوالدین ۲- والبنی علی الناس ۳- و کفر الاحسان».

پیامبر گرامی(ص) فرمود: مجازات و عقوبت سه گناه خیلی زود در همین دنیا فرامی‌رسد و به قیامت موکول نمی‌شود: ۱- ایجاد ناراحتی و بی‌احترامی به پدر و مادر ۲- ظلم و تجاوز به حقوق مردم ۳- ناسپاسی در برابر نیکی و احسان دیگران.^(۱)

۱- امالی صدوق، ص ۲۲۷

حکایت خوبان

بی‌احترامی به والدین و دور شدن از عدالت

شخصی از امام صادق(ع) سوال کرد: پیش‌نمازی است که تمامی شرایط امامت را دارا است جز اینکه با پدر و مادرش رفتاری تند دارد و با سخنان درشت آنان را می‌رنجاند، آیا به این پیش‌نماز اقتدا بکنم یا نه؟ حضرت فرمود: تا زمانی که او با پدر و مادرش رفتاری ناشایست دارد و والدین خود را ناراحت می‌کند در پشت سر او نماز نخوان!^(۲)

۱- من لایضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۹

پرسش و پاسخ

آثار احسان و نیکی به پدر و مادر (۱)

پرسش:
از منظر آموزه‌های وحیانی اسلام احسان و نیکی فرزندان نسبت به والدین و پدر و مادر چه آثار دنیوی و اخروی در زندگانی آنها خواهد داشت؟
پاسخ:

لزوم احسان همیشگی به پدر و مادر

همه آیاتی که خدای متعال در آنها دستور به احسان و نیکی به پدر و مادر را می‌دهد، و آن را بخشی از اطاعت خود معرفی می‌کند، به صورت مطلق آمده و هیچ تخصیص و قیدی به آن نزده است. هیچ شرطی ندارد اما آیات قرآن در مسئله اطاعت از والدین مطلق نیست بلکه مشروط و مقید می‌باشد. یعنی اگر پدر و مادری فرزندانشان را به کفر و شرک دعوت کردند در اینجا دیگر اطاعت کردن از آنها واجب نیست. (عنکبوت- ۸)

آثار نیکی به پدر و مادر

۱- نیکی متقابل فرزندان

امام صادق(ع) می‌فرماید: «بروایانکم، بیکرم ایباتکم» به پدر و مادر تان نیکی کنید تا فرزندانان به شما نیکی کنند (خصال، ج ۱، ص ۵۵)

۲- افزایش طول عمر

پیامبر گرامی(ص) فرمود: «من بروالدین، زادالله فی عمره» کسی که به پدر و مادرش نیکی کند خداوند بر طول عمرش می‌افزاید (نشریه یرسمان، مورخ ۲۸/۹/۶۴) مفهوم این سخن پیامبر(ص) این است که اگر کسی به پدر و مادرش بی‌احترامی کند، عمرش کوتاه می‌شود!همچنان کردند در برخی روایات از کوتاهی عمر در اثر بی‌احترامی به پدر و مادر سخن به میان آمده است!

۳- آسانی سکرات موت

امام صادق(ع) فرمود: کسی که دوست دارد، خداوند سکرات موت را برای او آسان گرداند، پس به پدر و مادرش نیکی کند (مشکااة‌الانوار، ج ۱، ص ۳۲۳)

۴- عبادت بودن نگاه محبت‌آمیز به پدر و مادر

پیامبر گرامی(ص) «نظر الوالد الی والد به حیا لهما عبادة» نگاه دوستانه و محبت‌آمیز به پدر و مادر عبادت است (تحف‌العقول، ص ۲۴)

۵- جهاد در راه اسلام

قال النبی(ص): «بروالدین» بحری عن الجهاد» نیکی به پدر و مادر، جای جهاد را می‌گیرد (نهج‌الفصاحه، ج ۱، ص ۸۰۶)

۶- بزرگ‌ترین واجب حقوقی

قال الامام علی(ع): «بروالدین اکبر فريضه» نیکی به پدر و مادر بزرگ‌ترین واجب (حقوقی) است (غیر الحکم و دررالکلم، ص

۷- بهترین خوبی‌ها

قال الامام علی(ع): «بروالدین من اکرم الطباع» نیکی به پدر و مادر از بهترین خوبی‌ها است. (بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۸۴)

۸- باعث خشودنی خداوند

قال النبی(ص): «رضی الله مع رضی الوالدین» رضایت خداوند در رضایت والدین است (همان، ج ۱، ص ۷۱، ص ۸۰)

۹- باعث لذت زندگی

قال النبی(ص): «بروالدین فی البیر بالوالدین» لذت زندگی در نیکی به پدر و مادر است (همان)

۱۰- بهترین اعمال

قال الامام الصادق(ع): افضل الاعمال: الصلاة لوقتها و بروالدین و الجهاد فی سبیل الله» بهترین اعمال نزد خداوند: نمازگزارن در وقت آن، و نیکی به پدر و مادر، و جهاد در راه خدا است.(بحارالانوار، ج ۱، ص ۷۱، ص ۸۵)

۱۱- سیر آتش جهنم

شخصی به امام صادق(ع) عرض کرد: پدرم به حدی پیر و ناتوان شده که او را برای قضای حاجت حمل می‌کنم، و می‌رم، امام فرمود: اگر قدرت داری خودت این کار را انجام ده و خودت بر دهان او غذا بگذار تا این عمل سیر آتش فرادیت باشد (و تو را به بهشت ببرد) (همان، ج ۱، ص ۷۱، ص ۵۶)

۱۲- مشمول رحمت خدا بودن

قال النبی(ص): «رحم الله امرء اعان والد علی بره»- خداوند رحمت کند کسی را که کمک کند به پدرش به نیکی(همان)

۱۳- رد نشدن دعایش در دایره فرزند

قال الامام الصادق(ع): «ثلاث دعوات لایحیی عن الله تعالی: دعاء الوالد لولده اذا بره» سه دعا است که رد نمی‌شود: یکی دعای پدر در حق فرزند هنگامی که به او نیکی کند (همان)

۱۴- باعث یادمان معرفت انسان

قال الامام الصادق(ع): «بروالدین من حسن معرفة العبد بالله» نیکی به پدر و مادر از نشانه‌های شناخت انسان نسبت به پروردگار است.(همان، ص ۷۷)

ادامه دارد

سبک عارفانه

راه اهمال یا الغای راه شریعت، عرفان الهی نیست!

هرگز متصور نیست که حکیم علی‌الاطلاق راه شریعت را که در همه جا راه خود معرفی نموده اراده نکند و به جای آن به راهی که هرگز بیان نکرده است و برای مردم مجهول است دعوت نماید و بر تقدیر اینکه راه شریعت را اراده کرده باشد، و این همه اصرار را در سلوک آن کند، هر راهی که پیومون آن مستلزم اهمال یا الغاء را شریعت یا بخش‌هایی از راه شریعت باشد را خدا نیست.»^(۱)

۱- تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ذیل آیه ۱۹ سوره مائده